

۶۱- «برتا» نام توپ‌های دُور برد آلمانی بود که در جنگ اول جهانی به کار گرفته شد و پاریس را از فاصله ۱۰۰ کیلومتری می‌کوبید.

۶۲- ووکوا نام تپه کوچکی در منطقه وردن فرانسه است که در ۱۹۱۵ نبرد بسیار خونینی، با استفاده از بیشمار مین، آنجا درگرفت.

۶۳- یعنی نوشتن واژه فرانسوی Colossal با K آلمانی، برای این که Kolossal بهتر بتواند خشونت نظامی‌گری را نشان بدهد.

۶۴- بارون لویی (۱۸۳۷-۱۷۵۵) وزیر دارایی لویی هجدهم و لویی فیلیپ بود. در ضمن، معادل فرانسوی دو ضرب‌المثل کاملاً فارسی بالا بترتیب چنین است:

کسی که باد بکارد توفان درو می‌کند

کاروان می‌گذرد و سگها عوعو می‌کنند

شناخت این روایت‌های اصلی هم به شناخت ریشه‌های فرهنگی و روان شناختی عنصر بسیار مهمی چون ضرب‌المثل کمک می‌کند و هم مایه پرهیز از «فارسی کردن» بیش از حد ترجمه می‌شود، پرهیزی که این مترجم به آن پایبند است. اما در اینجا، شلوغی شمار ضرب‌المثل‌ها و گویایی معادل‌های فارسی موجب شد که دستکم دو ضرب‌المثل فارسی را میان بقیه بگنجانیم.

۶۵- «کار کردن برای شاه پروس» اصطلاحاً به معنی «بیگاری دادن» و مجانی کار کردن است که بویژه در اینجا در گرما گرم جنگ با آلمان و پروس مفهوم سنگین‌تر و دوچندان گویاتری پیدا می‌کند. در ضمن، یکی دو سطر پایین‌تر، واژه فرهنگ، Culture فرانسوی هم به صورت Kultur آلمانی آمده تا خشونت و نظامی‌گری‌اش بهتر نمایانده شود، که «فرحنگ» با ظاهر غلط، با شباهتش به جنگ و باح خشن‌ترش شاید تا اندازه‌ای آن را برساند.

۶۶- ژوزف کایو، نخست‌وزیر فرانسه در سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۱۱، در سال ۱۹۱۷ به جاسوسی برای دشمن متهم شد.

۶۷- جووانی جولیتی (۱۸۴۲-۱۹۲۸) سیاستمدار ایتالیایی، زمانی همانند این آقای کایو وزیر دارایی بود. برای آشنایی بیشتر با ربط جولیتی و دونورپوا صفحات ۲۶۰ به بعد گریخته را بخوانید.

۶۸- ونیزلوس، سیاستمدار یونانی، طرفدار دخالت کشورش در جنگ در کنار

نیروهای «پیمان تفاهم» بود. در سالهای ۱۹-۱۹۱۷ نخست وزیر یونان بود.

۶۹- به ترتیب Tommies (سرباز ساده انگلیسی)

dominions (مستعمره‌ها)

private (سرباز ساده)

۷۰- آنچه گفته «خانم» را گستاخانه می‌کند و اشرافیان را به خنده می‌اندازد این است که واژه Cochon (خوک) با شیوه‌ای که «خانم» آن زیر لب را بیان می‌کند هجای وسطی‌اش را از دست می‌دهد و Con می‌شود که در زبان فرانسه چندین مفهوم بدو زشت و بی‌ادبانه دارد.

۷۱- به لاتین، habent sua fata libelli (هر کتابی سرنوشت [مستقل] خودش را دارد)

۷۲- امیل کومب (۱۸۲۵-۱۹۲۱) نخست وزیر فرانسه و ضدکلیسایی فعال بود. کتابی به نام مبارزه لائیک ۱۹۰۳-۱۹۰۲ دارد که آناتول فرانس بر آن مقدمه نوشته است.

۷۳- جمله «من همیشه نفرت‌انگیز است» از بلز پاسکال است.

۷۴- پروست اینجا با آوردن این چهار نام در کنار همدیگر شیطنتی بریشویی کرده و در واقع، هم شیوه فضل فروشی او را نمایانده و هم به او نیش زده است: کارل فون کلاوسویتس ژنرال پروس و هانری یومینی، ژنرال سوئسی از تئوریسین‌های معروف نظامی اروپا در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم‌اند، در حالی که دو نام دیگر متعلق به دو نویسنده و فیلسوف یونانی است.

۷۵- هانری دیدون، نویسنده و پیشگوی دومینکی (۱۸۴۰-۱۹۰۰).

۷۶- طبایخی‌های دو وال رستوران‌های ارزان قیمتی بود که پیردو وال قصاب دایر کرده بود و پیشخدمت‌هایش همه زن بودند.

۷۷- کلاریس بخشی از کتاب Tendres Stocks پل موران است که در سال ۱۹۲۲ چاپ شد و مقدمه‌اش را پروست نوشته بود.

۷۸- کلیسای اعظم رنس، یکی از شاهکارهای گوتیک فرانسوی، در جریان جنگ خسارت بسیار دید.

- ۷۹- موريس بارس، نویسنده ملی‌گرای فرانسوی، بویژه کتابی دارد به نام *Les Déracinés* (ریشه‌کن شده‌ها) (۱۸۹۷).
- ۸۰- پل درولد (۱۸۴۶-۱۹۱۴) مؤسس و رئیس اتحادیه میهن‌پرستان بود. موريس بارس در ژانویه ۱۹۱۷ زمانی که خود رئیس این تشکل بود زیارتی از قبر درولد و نیز تظاهراتی را در پای مجسمه شهر استراسبورگ در میدان کنکورده پاریس سازمان‌دهی کرد. در این تظاهرات بر پیوند آلزاس و لورن (و شهر آلزاسی استراسبورگ) با فرانسه تأکید شد. از سوی دیگر، بارس در ۱۹۱۹ نامه‌ای در اعتراض به تخریب کلیسای رنس به دست آلمانی‌ها به وزارت فرهنگ و هنرهای زیبای فرانسه نوشت. اشاره بارون دو شارلوس به این رویداد است.
- ۸۱- در توضیح «پیروزی پیروسی» به یادداشت شماره ۱۷۱ پایان کتاب *سدوم و عموره* مراجعه کنید. در ضمن میان «پیروزی پیروسی» و پیروزی روی کاغذ (پاپیروس) احتمالاً جناسی است که از سخنگوی ظریفی چون بارون دو شارلوس بعید نیست.
- ۸۲- گابریل سیوتون نماینده ناسیونالیست مجلس فرانسه بود.
- ۸۳- هانری بک (۱۸۳۷-۱۸۹۹) نمایشنامه‌نویس فرانسوی، درام‌هایی رئالیستی دارد که از آن جمله‌اند *کلاغ‌ها* و *پاریسی*
- ۸۴- *Inculcabis super leonem et aspidem*
- بخشی از یک دعای لاتین خطاب به عیسی مسیح است: «بر شیری و بر ماری پای خواهی نهاد»
- ۸۵- آلمان فراتر از همه *Deutschland Über alles*.
- ۸۶- «گرداف» مخفف «گردان افریقایی»، واحدی از سربازان مزدور اروپایی در مستعمره‌های سابق فرانسه در افریقا بود.
- ۸۷- کاپیت («ردپوش») لقب هوگ، شاه فرانسه، مؤسس خاندان «کاپتی‌ها» است که از ۹۸۷ تا ۱۳۲۸ میلادی این سرزمین فرمان می‌راندند.
- ۸۸- «انسان زنجیری» نام روزنامه ژرژ کلمانسو بود.
- ۸۹- معرکه‌گیرها نام نمایشنامه‌ای فکاهی از تئوفیل دومرسان است که نخستین بار در سال ۱۸۳۱ به صحنه آمد.

۹۰- البته جمله بسیار گنگی است، اما به یاد می آوریم که پیش تر، در توصیف حمله های هوایی آلمانی ها به پاریس و ندای آژیرها خوانده بودیم که در پایان حمله ها: «... آتش نشانان پایان خطر را اعلام می کردند و آنگاه از نزدیکی ایشان آژیر سفید، چون پسرکی ناپیدا، به فاصله های منظم آوای شادمانی اش را سر می داد و خبرخوش را به گوش همه می رسانید». مترجم انگلیسی چنین ترجمه کرده است: «در خیابان پسرکی به من گفت که ماشین های آتش نشانی چه سرو صدایی کرده بودند» (!)

۹۱- «اخراج راهبه ها»، به این صورت کلی و بظاهر بسیار خشونت آمیز آن چنان که بدون شک سر پیشخدمت با آب و تاب برای فرانسواز تعریف می کند، به سیاست های ضد کشیشی در دوران نخست وزیری امیل کومب میان سالهای ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۵ نظر دارد که به جدایی کلیسای فرانسه از حاکمیت انجامید.

۹۲- Berry-au-bac دهکده ای است میان دو شهر لان و رنس که در جنگ اول جهانی نخستین تانک های ساخت فرانسه آنجا به کار گرفته شد.

۹۳- رودخانه، زیرا در یکی از طرح های اولیه جستجو مرگ آلبرتین نه در پی افتادن از اسب، بلکه بر اثر غرق شدن در رودخانه بود، و شگفتا که مرگ آلفرد اگوستینلی راننده و منشی و دوست پروست در سالهای آخر زندگی اش، مرگی که بر او بسیار تأثیر گذاشت ناشی از آن هر دو سانحه بود: سقوط طیاره او و در پی اش غرق شدن اش در دریا.

۹۴- توضیح درباره رنجش گراندوشس و اصولاً این ظرافت های غایی که گهگاه پروست ناخواسته رعایت می کند، و ماده اول همه ادعائنامه هایی است که اتهام اسنوبی او را توجیه می کرد و گاهی هنوز هم می کند، شاید چندان لازم نباشد چون در نهایت سر و کار ما با جملاتی است که از بهترین جملات پروست هم نیست! فقط درباره اصطلاح اشرافی «پایین مرتبه» توضیح داده شود که منظور از همسر «پایین مرتبه» (به فرانسه *morganatique*) کسی است که با داشتن عنوان های اشرافی پست تر یا حتی بدون داشتن عنوان های اشرافی با یک پرنس و مانند آن ازدواج می کند و برغم این ازدواج هم خود او و هم فرزندانش از مزایای عنوان های اشرافی شوهر محروم می مانند.

- ۹۵- پوتل و شابو نام دو آشپز معروف زمان پروست است
- ۹۶- بارنهایم در پاریس عتیقه فروش بود.
- ۹۷- ژان فوکه (۱۴۸۰-۱۴۲۰) نقاش، مینیاتورریست و طلاکار بزرگ فرانسوی است. تکچهره‌های او از جمله شاهکارهای نقاشی پایان قرون وسطاست.
- ۹۸- منظور CGT، سندیکای بزرگ کارگری فرانسه، با گرایش چپی است که هنوز هم بزرگ‌ترین سندیکای این کشور است.
- ۹۹- پل مارک شو ناوار (۱۸۹۵-۱۸۰۷)، چون هم مسلک معروف ترش داوید، نقاش «تاریخی‌کش» بود، زمانی با انگر و دولاکروا همکاری داشت و پیرو ترقی اجتماعی و نمایاندش در نقاشی بود.
- فردینان برونتیر تاریخنگار و منتقد ادبی بود.
- ۱۰۰- اشاره است به جنبش معترض و متعصب ژانسنی که در آغاز سده هفدهم پیرامون صومعه پور روآیال شکل گرفت و از سال ۱۶۵۶ هدف سرکوب‌هایی بود که به تخریب صومعه در سال ۱۷۱۰ انجامید.
- ۱۰۱- تعبیر بسیار زیبایی است درباره نقیث رنج در آفرینش که متأسفانه پروست با ربط دادن آن به پول، بویژه پولی که خرج «زنان» می‌شود، آن را محدود و گتنگ و به بیان ساده «خراب» می‌کند. توجیه این حرکت شاید تا اندازه‌ای آن گرایشی باشد که خواننده بدون شک از سرتاسر کتاب دریافته است و بسیار هم شهرت دارد و در نوعی خصوصیت «پولکی» نهفته است که پروست، خواسته ناخواسته، در کل «رابطه عشقی» می‌دیده است، خصوصیتی که بدون شک ناشی از تجربه‌های شخصی اوست و از معدود مواردی نیز هست که بیانشان پروست را از نگرش منزّه و متبلور قانون‌های عام دور می‌کند، مگر این که عمیقاً معتقد بوده باشد که «رابطه عشقی الزاماً پولکی است»، یعنی نظر تلخ و سختی شبیه نظری که علناً درباره دوستی ابراز می‌دارد.
- ۱۰۲- اشاره پروست به مضمونی اساطیری در ادبیات و نقاشی غربی، بویژه به شاهکار واتو به نام «کشتی نشستن به مقصد سیترا» است که استاد فرانسوی در آن به زیباترین وجه شور و هیجان کامجویی در عشق، و در همین حال تب و تاب مرگی نهفته در پس آن را نمایانده است. سیترا (Cythère) جزیره یونانی دریای اژه

است که در دوران باستان یک پرستشگاه بزرگ و معروف آفرودیت، الهه عشق، آنجا بود.

۱۰۳- ژان فرانسوا رینار (۱۷۰۹-۱۶۵۵) نمایشنامه‌نویس فرانسوی، نمایشی به نام وارث دارد که شخصیت اصلی‌اش پیرمردی محتضر است.

۱۰۴- ژنرال دوراکین، شخصیت رمانی به همین نام از کنتس دوسگور، پیرمرد فربه‌ای با واکنش‌های غیرمنتظره است، یک لحظه می‌خندد و لحظه دیگر خشمگین می‌شود.

۱۰۵- صفحات ۷۰ تا ۷۲ طرف خانه سوان را بخوانید.

۱۰۶- لئوپولدو فرگولی (۱۹۳۶-۱۸۶۷) بازیگر و خواننده ایتالیایی، با مهارت بسیار تغییر چهره می‌داد و در نمایش واحدی نقش چندین نفر، چه زن و چه مرد را بازی می‌کرد.

۱۰۷- در توضیح ژنرال بولانژه یادداشت شماره ۱۷۱ طرف خانه سوان را بخوانید.

۱۰۸- رنه ویویانی (۱۹۲۵-۱۸۶۳) یکی از سران حزب سوسیالیست فرانسه، چند سالی وزیر کار و یک بار هم نخست‌وزیر بود.

۱۰۹- «افسانه زرین» نام کتابی است که در سده سیزدهم میلادی نوشته شده است و مجموعه‌ای از شرح احوال قدیسان مسیحی است.

۱۱۰- امیل لوبه در سالهای ۱۸۹۹-۱۹۰۶ رئیس‌جمهوری فرانسه و ژوزف رناک یکی از عمده‌ترین شخصیت‌های دریفوسی بود. در ضمن، نمی‌توان از این ایراد خودداری کرد که این سطرها بس بیش‌تر از آنچه پروست درباره‌ی خاتم امریکایی می‌گوید نشانه‌ی استوبی آزاردهنده‌ی خود او در زمینه‌ی نام و نشان‌های اشرافی است. نظر تحقیرآمیز پروست درباره‌ی آدم‌هایی که «وارد نیستند» نه تنها اکنون بسیار لوس و نخوت‌آلود جلوه می‌کند، بلکه در زمان خود او هم نشانه‌ی تفرعن استوبی و توجیه‌کننده‌ی صفت «آزاردهنده» (agaçant) بوده که اغلب به این رفتار او داده می‌شده است.

۱۱۱- «ولیعهد انگلیس» افزوده‌ی مترجم ایتالیایی است و کاملاً منطقی است، زیرا در دست‌نوشته، بی‌آن که جایی خالی گذاشته شده باشد، جمله فاقد چنین ارجاعی است و ناقص می‌ماند.

۱۱۲- تویکنهام، در حومه لندن، اقامتگاه کنت پاریس بود که مدعی سلطنت فرانسه بود و آنجا در حالت تبعید زندگی می‌کرد. سوان با کنت پاریس و ولیعهد انگلیس دوست بود.

۱۱۳- لغزش آشکار پروست: پنجاه سالگی برای مادر یک «پیردختر» خیلی کم است

۱۱۴- در اصطلاح زبان فرانسه «انگلیسی وار در رفتن» (se sauver a l'anglaise) یعنی بدون خداحافظی «سرخود را مثل گاو پایین انداختن» و رفتن، کاری که در اصطلاح زبان انگلیسی دقیقاً «فرانسوی وار در رفتن» (French leave) نامیده می‌شود (!)

۱۱۵- اشاره پروست به نامه‌ای است از مادام دو سوینیه به دخترش به تاریخ ۲۷ آوریل ۱۶۸۹، که در آن درباره نقطه‌ای به نام پیکینیسی نوشته است: «در ربع فرسخی اینجا یک اردوی سزار هست که هنوز سنگرهایش را حفظ کرده‌اند».

۱۱۶- در فرانسه این رسمی قدیمی است که کارکنان برخی دستگاههای خدمات مردمی (پست، آتش‌نشانی، گردآوری زباله...) در آستانه سال نو تقویم‌هایی به در خانه‌ها بیاورند و آنها را برای فروش یا گرفتن عیدی ارائه کنند.

۱۱۷- Lakists، منظور شاعران انگلیسی پایان سده هجدهم و آغاز سده نوزدهم مانند وردزورث، کلریج و سوتی است که به «لیک دیستریکت» در شمال غرب انگلیس رفت و آمد داشتند و متعلق به نسل اول رمانتیسم‌اند.

۱۱۸- لوئیز بالتی خواننده کافه کنسرت (۱۸۶۹-۱۹۲۵) و ژان ماری بورژوا، معروف به میستنکت، خواننده و هنرپیشه (۱۸۷۵-۱۹۵۶).

۱۱۹- یادداشت شماره ۸۲ در سایه دوشیزگان شکوفا را بخوانید.

۱۲۰- وُ لاپوک زبان ساختگی بین‌المللی که در سال ۱۸۷۹ ابداع شد و اسپرانتو جای آن را گرفت.

۱۲۱- اشاره پروست به تابلوی بسیار معروف «مادام رکامیه» اثر فرانسوا ژرار (۱۷۷۰-۱۸۳۷) است که او را دقیقاً به حالتی نشان می‌دهد که در این سطرها آمده است. با این همه، در عین همزمانی ژرار و انگر، و نزدیکی ظاهر سبک این

دو به هم، به نظر می‌رسد که تعبیر «جلوه انگری» که پروست در چند سطر پایین‌تر می‌آورد ناشی از لغزش او باشد.

۱۲۲- خانم مردیت هاولند، دوست شارل‌هاس و کنت دو مونتسکیو، از معدود امریکایی‌هایی بود که در محافل بالای روشنفکری و اشرافی پاریس پذیرفته شد. پروست با او آشنایی داشت.

۱۲۳- این «خرده کاغذ» پروست بکلی مغشوش است و هیچ ربطی هم به واقعیت‌های داستان ندارد. کما این که در متن «پایه» کلاراک و فرّه هم آورده نشده است. با این همه، آوردنش را اشاره جالب پروست به «خان‌هایی مرید روسو یا پیشگامان انقلاب» توجیه می‌کند.

۱۲۴- این شاعر ویکتور هوگو و شعر موردنظر اندوه اولیمپو است.

۱۲۵- دو اثر به نام «چاشت روی سبزه» معروف است. یکی شاهکار مانه که در موزه دورسه پاریس نگهداری می‌شود و دیگری اثر نه این اندازه معروف مونه، که یک نقاشی سه لتی است و دولت آن باقی مانده است. این اثر نیز در موزه دورسه نگهداری می‌شود و با توجه به علاقه خاص پروست به مونه (که یکی از مدل‌های الستیر نقاش است) می‌توان گمان کرد که منظور او بیشتر اثر مونه باشد.

۱۲۶- اشاره‌ای است به شعر گور تئوفیل گوتیه اثر ویکتور هوگو.

۱۲۷- اشاره پروست به مقدمه‌ای است که آناتول فرانس بر نخستین کتاب او، خوشی‌ها و روزها (از همین مترجم، نشرمرکز) نوشت.

۱۲۸- در روایت آغازین زمان بازیافته این پاراگراف به دنبال پاراگرافی می‌آید که با «... و برای همسرش نامه بدروود می‌نویسد» پایان می‌یافت و چند صفحه بالاتر آن را خواندیم. از همین روست که پروست می‌گوید که باید چیزی بسیار دازتر (از یک نامه) و برای بیش از یک نفر بنویسد.

نگاهی به ۸ جلد «جستجو»

۱. طرف خانه سوان

۶۰۰ صفحه، چاپ اول ۱۳۶۹ (چاپ پنجم ۱۳۷۶)

شابک: X-۳۶-۰۳۰۵-۹۶۴

طرف خانه سوان کتاب اول از مجموعه هشت کتابی است که رمان در جستجوی زمان از دست رفته را می‌سازند. «جستجو» بیش از آن که توصیف‌کننده حالت‌های بیرونی باشد ژرفاهای درونی را می‌پوید. از همین رو اغلب درباره اثر پروست گفته می‌شود که می‌توان آن را از هر صفحه‌ای که باشد آغاز کرد و یا گهگاه چند صفحه‌ای از هر کجای آن را خواند و از ژرفای اندیشه و ظرافت هنر نویسنده لذت برد.

۲. در سایه دوشیزگان شکوفا

۶۷۲ صفحه، چاپ اول ۱۳۷۰ (چاپ سوم ۱۳۷۵)

شابک: ۶-۲۱۷-۳۰۵-۹۶۴

در کتاب دوم «جستجو»، همراه «راوی» که اکنون به سن بلوغ رسیده است درک بنیادی ما از جهان کمابیش کامل شده و ابعاد مختلف ضمیر انسان را، چه به عنوان فرد و چه به عنوان عنصری اجتماعی، می‌شناسیم. کاری کارستان آغاز می‌شود: زمان گذران و فرساینده را از دست بطالت و مرگ بیرون کشیدن و با لحظه‌لحظه‌های آن پرستشگاهی ماندگار ساختن.

۳. طرف گرمانت ۱

۳۷۶ صفحه، چاپ اول ۱۳۷۲ (چاپ دوم ۱۳۷۴)

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۱۳۸-۲

هسته اصلی مضمون این کتاب رابطه «راوی» با دنیای اشراف است، از شیفتگی و ستایش در برابر همه چیزهای اشرافی و رویاپروری درباره چهره‌های نیمه‌خدایی اشراف تا درک پیش‌پاافتادگی مایوس‌کننده، ابتذال و جهل یاس‌آورشان.

۴. طرف گرمانت ۲

۳۶۸ صفحه، چاپ اول ۱۳۷۳ (چاپ دوم ۱۳۷۴)

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۰۰۹-۲

«راوی» در ادامه گشت و گذار در دنیای محافل اشرافی مامور نشان دادن پوچی و بیهودگی زندگی‌ای است که مفهومی نیافته، و نیز گمراهی انسانی که بیتابانه در جستجوی دلیل بودنش در این جهان خاکی است، انسانی که شاهد زوال همه چیزهای عبث و میرایی است که به آنها دل می‌بندد: عشق، جهان، زمان.

۵. سدوم و عموره

۶۴۸ صفحه، چاپ اول ۱۳۷۶

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۲۲۱-۴

سدوم و عموره، گزارش یکی از مهمترین مراحل سلوک «راوی» به سوی اوجهای رستگاری و جاودانگی است. اینک به منزلی رسیده است که در سلوک و معرفت شاید از هر منزل دیگری مهمتر باشد: شناخت بدی و پلشتی برای راهیابی به نیکی و پاکی، امید و خلاقیت.

۶. اسیر

۵۰۴ صفحه، چاپ اول ۱۳۷۷

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۳۶۶-۰

اسیر نخستین کتاب از مجلدات باقیمانده «جستجو» است که پس از مرگ مارسل پروست به چاپ رسید. این بار کل منظومه بر محور چهره آلبرتین می چرخد که می توان او را نمادی دوگانه، هم از زندگی و هم از مرگ دانست، اسیری که با همه رامی و تن دادن به تقدیر ماندن در قفس زرین خانه «راوی» همواره چون زمان گریزان و دست نیافتنی است.

۷. گریخته

۳۶۸ صفحه، چاپ اول ۱۳۷۷

شابک: ۱-۱۳۳-۳۰۵-۹۶۴

گریخته کتاب مرگ و فراموشی است، شرح واپسین لرزه‌های ویرانگر زمان پیش از توصیف آوارهای نهایی‌اش در زمان بازیافته و پیش از پیروزی پایانی انسان آفریننده. کتاب حاوی کاونده‌ترین و نافذترین صفحاتی است که شاید در همه ادبیات جهان درباره برخی از دوردست‌ترین و ژرفترین زاویه‌های روان بشری نوشته شده است.

۸. زمان بازیافته

۴۶۴ صفحه، چاپ اول ۱۳۷۸

شابک: ۶-۴۶۱-۳۰۵-۹۶۴

در زمان بازیافته پیش از رسیدن به مکاشفه بنیادین اصل جاودانگی نهفته در آفرینش هنری، واپسین منزلهای سیر و سلوک در جهان پر تب و تاب واقعیت و خاطره را پشت سر می‌نهیم: تصویرهای محشرگونه جنگ در پاریس و مهمانی صورتکها در خانه گرمانت. شهری گرفتار نفرین و محفلی در کام مرگ. از این کن‌فیکون فقط یک تن رستگار بیرون می‌آید: «راوی» که تازه رمز زندگی ماندگار را کشف کرده است.

www.KetabFarsi.com

Marcel
PROUST

A LA RECHERCHE DU TEMPS PERDU

LE TEMPS RETROUVÉ

*Traduit par
Mehdi Sahabi*



Première édition 1999
deuxième édition 2000
Nashr-e Markaz
Iran, Teheran, P.O.Box 14155-5541

زمان بازیافته جلد آخر در جستجوی زمان از دست رفته، هم پایان بخش و هم اوج این منظومه عظیم است. از یک سو کلیدی است که به یاریش جهان پروستی با همه پیچیدگیها و ظرافتها و همه ژرفای مفهومش به روی خواننده گشوده می شود و از سوی دیگر اوج پر از شور و هیجانی است که سرتاسر ساختار عظیم جستجو را همانند فینال یک سرود بلند موسیقایی به انجام و فرجام می رساند. در این کتاب پیش از رسیدن به مکاشفه بنیادین اصل جاودانگی نهفته در آفرینش هنری، واپسین منزلهای سیر و سلوک در جهان پر تب و تاب واقعیت و خاطره را پشت سر می نهیم: تصویرهای محشرگونه جنگ در پاریس و مهمانی صورتکها در خانه گرمانت. شهری گرفتار نفرین و محفلی در کام مرگ. از این کن فیکون فقط یک تن رستگار بیرون می آید: «راوی» که تازه رمز زندگی ماندگار را کشف کرده است و بر آن است که دست بکار شود. کار آفرینشی که شاید بیش از هزار شب طول بکشد. به شکرانه این رستگاری «راوی» مزدی را نیز همچون «سورپریزی» به خواننده ارائه می کند. اما خواننده مزد خویش را بیشتر گرفته است.

ISBN: 964-305-461-6



9789643054618



نشر مرکز